

جهانگرد کیوتو!

نوشته عطا صادقی

روز نهم سفر پس از خوردن صبحانه از هتل خارج شدیم. طبق فهرست اولویت‌بندی شده که از دوستانمان گرفته بودیم اولین مقصد ما معبد کینکا کوچی ملقب به معبد طلایی بود. تاریخ این معبد به قرن چهاردهم میلادی برمی‌گردد که ابتدا خانه و باغی بزرگ بوده که توسط شوگون آشی کاگا یوشی میتسووا خانواده‌ای اصیل خریداری شده و سپس توسعه یافته است. پس از مرگ این شوگون، پسرش محل اقامت پدر را بنا به وصیتش به معبد بودایی زن تبدیل می‌کند. (برای درک بهتر مفهوم شوگون نوشته فرهاد را بخوانید.) این معبد در باغی زیبا واقع شده بود. باغ‌های ژاپنی با سبک منحصر به فردشان از زیباترین باغ‌ها به شمار می‌روند. توی این معبد و در کل در کیوتو گردشگران خارجی زیادی دیده می‌شدند که نشان‌دهنده آن بود که صنعت توریسم در ژاپن رونق فراوانی دارد. پس از بازدید از معبد طلایی با اتوبوس به سمت منطقه آراشی یاما رفتیم. اتوبوسرانی کیوتو از چند جنبه قابل توجه بود. در هر ایستگاه، فهرست خطوطی که وارد آن می‌شدند مشخص بود و یک تابلو نیز وضعیت اتوبوس‌های هر خط را نشان می‌داد که مثلاً اتوبوس فلان خط در حال ورود به ایستگاه است یا چند دقیقه دیگر وارد ایستگاه می‌شود. این زمان‌ها کاملاً دقیق بود. کرایه اتوبوس را می‌شد نقد یا با کارت اعتباری پرداخت. پرداخت نقدی نیز از طریق خودپرداز کنار راننده انجام می‌شد و در صورتی که اسکناس به دستگاه می‌دادیم، مابقی پول به صورت سکه از دستگاه بیرون داده می‌شد. همچنین کارت‌های تردد یک روزه ای وجود داشت که با آن می‌شد در کل روز از سیستم اتوبوسرانی و مترو استفاده کرد. قیمت این کارت‌ها ۵۰۰ ین یعنی چیزی حدود چهار و نیم دلار یا ۶۰ هزار تومان ما بود که نسبت به کره کاملاً گران‌تر بود. سیستم اعلام نام ایستگاه نیز در داخل اتوبوس هم به صورت نمایش گر و هم به صورت صوتی

وجود داشت. نکته دیگری که در اتوبوس جلب توجه می‌کرد این بود که میکروفونی جلوی دهان راننده قرار داشت و وی قبل از توقف در ایستگاه و یا در هنگام رانندگی، کلماتی را دائماً تکرار می‌کرد. به نظر می‌رسید که راننده نیز در مورد نحوه رانندگی وظیفه دارد به مسافران اطلاع رسانی کند، چرا که قبل از ترمز زدن یا پیچیدن عباراتی را بیان می‌کرد. جالب اینکه بعضی از راننده‌های اتوبوس زن بودند و به طور کلی مشارکت زنان در مشاغل در ژاپن همپای مردان و حتی شاید بیشتر از آنها بود. این موضوع در روزهای بعدی نیز برای ما

کاملاً مشخص شد. منطقه آراشی یاما از یک خیابان باریک و سرشار از گردشگر تشکیل شده است که دو طرف خیابان را رستوران و مغازه‌های سوغاتی فروشی احاطه کرده‌اند. از مکان‌هایی در کیوتو که می‌شد زنان و مردان کیمونو پوش را مشاهده کرد همین منطقه بود. دختران و پسران کیمونو پوش در این منطقه برای تفریح گرد هم می‌آمدند که البته سوژه جذابی برای گردشگران نیز بودند و دائماً از آنها عکاسی می‌شد. البته اشتیاق عکاسی در خود این جوانان نیز به شدت دیده می‌شد و دائماً در حال سلفی گرفتن از خود بودند. ■

بدانید پرسه در تاریخ ژاپن

برای درک بهتر مفهوم شوگون نیاز است تا مختصری از تاریخ ژاپن دانسته شود. در ژاپن به صورت سنتی، امپراتور قدرت خود را از خدای خورشید دریافت می‌کرده است. اما با گذشت زمان، از قدرت امپراتور بتدریج کاسته شده و بیشتر به یک مقام تشریفاتی تبدیل شده است. قدرت واقعی در دست فرماندهان نظامی بوده است. فرماندهان از افراد سرشناس خاندان‌های پرنفوذ بوده‌اند که با زور شمشیر قدرت را در اختیار می‌گرفتند و همواره سعی می‌کردند برای مشروعیت خود، نظر مساعد امپراتور را جلب کنند چرا که امپراتور همواره در بین مردم عادی از احترام زیادی برخوردار بوده است. نخستین طایفه (در اصطلاح محلی یوچی) قدرتمندی که مقام فرماندهی را از آن خود کرد، قبیله سوگا بود که از حدود ۵۳۰ میلادی بر دشت یاماتو واقع در جنوب جزیره هونشو فرمان می‌راند. از آن پس این دشت به دلیل حاصل خیزی همواره مرکز طایفه‌های حکمران در طول تاریخ بوده است. میراث اصلی طایفه سوگا معرفی آیین بودا به ژاپن بود که این آیین را با دین سنتی ژاپن یعنی شینتو (پرستش خدایان باستانی و ارواح طبیعت) درهم آمیخت.

نوشته و عکس فرهاد ابوالقاسمی

پس از یک قرن مقام فرماندهی به طایفه فوجی‌وارا منتقل شد که حدود چهار قرن طول کشید. طایفه فوجی‌وارا نخستین پایتخت و شهر واقعی را در اوایل قرن هشتم در دشت یاماتو بنا نهادند و آخر همان قرن پایتخت خود را به کیوتو منتقل نمودند. کیوتو تا قرن نوزدهم پایتخت فرماندهان باقی ماند. در اواخر قرن دوازدهم طایفه میناموتو قدرت را در دست گرفت. رئیس این طایفه به عنوان فرمانده کل قوا لقب شوگون (به معنی سپهسالار در زبان محلی) را برای خود برگزید. ویژگی طایفه میناموتو ظهور نظامی‌گری و فنودالیسم بود. اربابان قدرتمند محلی با سوگند وفاداری به شوگون، سهمی از نعمت‌های زمین را برای خود دریافت می‌کردند. هر ارباب نیز سپاه خصوصی از جنگ‌جویان برای خود داشت که سامورایی نامیده می‌شدند. سامورایی‌ها نیز با سوگند وفاداری به ارباب، از بخشی از مزایای زمین برخوردار می‌شدند. طایفه‌های بعدی که مقام شوگونی را از آن خود کردند، هوجو و آشیکاگا بودند. در دوره فرمانروایی شوگون‌های آشیکاگا از اواخر قرن چهاردهم تا اواخر قرن شانزدهم از تمرکز فنودالیسم و قدرت شوگون کاسته شد و با قدرت گرفتن اربابان محلی، کشور

دچار درگیری‌های داخلی و آشوب سیاسی شد تا اینکه در ابتدای قرن هفدهم (سال ۱۶۰۳) سلسله شوگونی توکوگاوا تأسیس شد. توکوگاوا به مدت دو قرن و نیم کنترل کامل ژاپن را در اختیار داشت. این سلسله نگران از نفوذ خارجی، درهای کشور را به روی دنیا بست و به مدت دو قرن و نیم، مردم ژاپن از تحولات دنیای بیرون بی‌اطلاع بودند تا این که در سال ۱۸۵۳ ژنرال پری آمریکایی با زور کشتی‌های جنگی، وارد خلیج ادو (توکیو امروزی) شد. ژنرال پری در ملاقات خود با شوگون خواستار این شد که ژاپن بنادر خود را به روی تجارت با آمریکایی‌ها بگشاید و تهدید کرد که اگر با این خواسته موافقت نشود، او سال بعد با نیروی بیشتری، این کار را به زور انجام خواهد داد. ژاپن به دلیل جدا ماندن از قافله صنعت و مدرنیسم توانایی مبارزه با این تهدید را نداشت. به همین دلیل تسلیم این خواسته شد. پس از امضای موافقت‌نامه کاناکاوا، انتقادات از شوگون توکوگاوا افزایش یافت و در سال ۱۸۶۷ شورش اربابان محلی منجر به سرنگونی توکوگاوا شد. برای اطلاعات بیشتر می‌توانید به کتاب ژاپن امروز نوشته دان ناردو، انتشارات ققنوس مراجعه کنید. ■